

متن پرسش

سلام و عرض ادب و احترام: در راستای بحث به تفصیل آمدن موضوع اربعین حسینی: حس می‌شود این آغاز گرهی دارد با بحث وسعت تاریخی و جایگاه افراد که در این سال‌های اخیر حضرتعالی به حق بدان اشاره می‌فرمایید. بنده این‌طور به نظرم می‌آید که گویا ابتدائاً مؤمنین هشیار را نسبت به رفتارشان با برادران دینی آگاه نمودند، سپس آن‌ها را حساس کردند به وسعت روابطی که قبل از این در برخی مؤمنین ضعف داشت، سپس این را آوردند تا کنار مردم عراق و افغانستان و...، و هم اکنون گمان می‌شود، هرچه هست یا گره خورده به این وسعت و سعه صدر تاریخی، یا شاید هم از دل این سعه، متولد شود. به هرحال باید به حسین «علیه‌السلام» عرض کرد: مست آدم ای پیر، که مستانه بمیرم / مستانه در این گوشه میخانه بمیرم. درویشم و بگذار قلندر منشانه / کاکُل همه افشان به سر شانه بمیرم. نظر حضرتعالی در مورد این ارتباط چیست؟ ارتباط بین سعه صدر و روابط مذهبی‌ها با جهان بیرون، و آغاز یک آغاز. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! آغاز یک آغاز برای تجربه گستردگی انسانیت انسان‌ها و عبور از ظلمات سیطره کمیت و استکبار با هرچه بیشتر «پاکبازی» و «ایثار»، و این‌که به گفته میشل فوکو متوجه باشیم ایران می‌تواند با انقلاب اسلامی خود، روحی باشد در جهان بی‌روح تا عالم به خود آید. [۱] در این رابطه است که باید فکر کنیم در تجربه اربعینی خود چگونه رسالت خود را در این جهان بی‌روح به عهده بگیریم و به انجام برسانیم. بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در اولین نشست با دولت آقای رئیسی بر بازسازی اساسی نسبت به فرهنگ و هنر تأکید کردند. حقیقتاً باید از خود پرسید بازسازی اساسی چه نوع بازسازی است که بتواند ایران را به عنوان روحی در جهان بی‌روح در عالم حاضر کند همان‌طور که در سفرهای اربعینی حضور ایرانیان روحی بود تا آن سنت، هرچه زنده‌تر ادامه یابد، و شاید از این جهت بتوان گفت ما باید در جایی دیگر برای روح‌بخشیدن به سنت‌های دیگری در صحنه آییم. مثل حضور حاج قاسم در درّه پنجشیر در کنار احمد شاه مسعود آن مرد مبارز دل‌زنده و دوست‌دار مردم افغانستان در سال‌های گذشته. موفق باشید

[۱] - دار مستتر، ایران‌شناس فرانسوی گفته است که اسکندر می‌خواست ایران را یونانی کند، یونان را ایرانی کرد. (اخلاق در زندگی کنونی □ دکتر رضا داوری اردکانی- صفحه ۲۴۵)